

مهرگان فرح

پیمان ایران نوین



پیمان بخشایش

بگفتم: دگر روزگار آمده‌ست
ز پیوند ما، نوبهار آمده‌ست
کنون مهرگان، جشن دیرینه ماست
فرح، نام مهر است و آیین ماست
به جشنش، ز هر سو، به هم آمدیم
برای وطن، هم‌قسم آمدیم
مبارک فرح، جشن میلاد تو
بماند به دل، مهر تو، یاد تو
فرح، بانوی مهر و فرهنگ بود
که با درد مردم، هماهنگ بود
ز دانش، زنان را توانی فزود
به فردای ایران، دری نو گشود
زن آگه و آزاد و دانش‌پژوه
به ایران دهد آبرو و شکوه
به کودک، دری رو به فردا گشود
ز کانون، چراغی به دل‌ها فزود
به بی‌سرپرستان، پناهی رسید
ز مهرش، به دل‌ها امیدی دمید
که هر طفل، شایسته زندگی‌ست
سزاوار مهر است و بالندگی‌ست



به ده‌های ایران، کتابی رسید
ز دانش، به روستا فروغی دمید

هنرهای روستا، ارجی بیافت
به دست هنرمند، یاری شتافت

به بیمار درگیر رنج جذام
رساند از محبت، شکوه و سلام

به دیدار آن خسته‌جانان شتافت
دل مانده در رنج، یاری بیافت

که بیماری از قدر انسان نکاست
حقوق بشر، حق هر یک ز ماست

به پیشاهنگان، مهر یاری رساند
جوان را به خدمت به مردم فراخواند

هنوز از ره علم، یاری رسد
ز بنیاد او، دست یاری رسد

هنوز آن چراغ حمایت به جاست
که دانش، کلید گشایش به ماست

مبارک فرح، جشن میلاد تو
بماند به دل، مهر تو، یاد تو

رضاشاه، در راه آباد خاک
کمر بست با عزم و اندیشه پاک



محمد رضا، راه دانش گشود
به صنعت، توان وطن را فزود
ز دیروز، تجربه آریم پیش
گشاییم فردا به تدبیر خویش
«پهلوی پلاس» است این عهد و راه
که قانون بماند فراتر ز شاه
ز کوروش، بزرگی بیاموز باز
به تدبیر و پیوند، ایران بساز
گذشتند قرن‌ها، ولی نام او
هنوز است سرچشمه آرزو
در «پیشاهنگی ایران نوین»
به خدمت بکوشیم در این سرزمین
من از جان، در این راه پیمان کنم
به خدمت، دلی را چراغان کنم
به کودک اوتیستیک، فرصت دهیم
به آموزش و زندگی، حرمت دهیم
مبادا کسی پشت درها بماند
ز درمان و آموزش، تنها بماند
ز زنجیر اسلام سیاسی، رها
شود میهن ما، به نیروی ما

جدا باد دولت ز هر دین و کیش
که آزاد باشد بشر در ره خویش
ز هر قوم و هر کیش، با هر زبان
یکی ملتیم و همه هم‌عنان
به یکپارگی، پاس ایران بدار
به هر گوشه‌اش، مهر یکسان بکار
رضا پهلوی را به یاری بخوان
به پیمان قانون و رأی و بیان
به رأی همه، راه فردا گشای
به مردم، به مردم، به مردم گرای
توانا شود ملت از حق و داد
توانا شود دولت از اعتماد
به مشروطه، شاهی سرافراز باد
نگهبان قانون و همراز داد
بیا دست در دست، پیمان کنیم
دل خسته خاک را درمان کنیم
مبارک فرح، جشن میلاد تو
بماند به دل، مهر تو، یاد تو
فرخنده بادا به ما مهرگان
به امید فردای آزادگان!